

Analysis of the layer structure of Surah Malik from the perspective of stylistics (phonetic, lexical, semantic and rhetorical)

(Received: 2022-04-28 Accepted: 2022-08-15)

mahdi nori keyzghani¹
Hojjat Elah Fasnaghari²
parvin teimoori nasrabadi³
masoud salmanihaghighi⁴

Abstract

The term stylistics is a science that seeks to discover the aesthetic values of literary works which leads to lexical, technical and rhetorical analysis of the literary text. This field tries to study and analyze the text in terms of structure, depth and aesthetics, regardless of the history, society and life of the creator, which are matters outside the text. In this article, relying on the descriptive-analytical method of Surah Malik in phonetic, lexical, semantic and rhetorical levels, aspects of artistic codes and understanding of literary and artistic aspects of different linguistic levels have been analyzed. Irony and metaphor have been used as rhetorical elements to better explain and describe events and meanings and to arouse people's inner emotions and interactions. The use of these two components in the text of the verses of this surah has established the meaning in the mind of the audience and has increased the level of awareness of God's power and brevity in words and content expression.

Keywords: Stylistics, Holy Quran, Surah Malik.

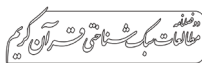
1) Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, Hakim Sabzevari University ,Sabzevari Iran, Email: sm.nori@hsu.ac.ir

2) Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, Hakim Sabzevari University, Sabzevari Iran, Email: fesanghari@hsu.ac.ir

3) Master of Arabic Language and Literature, Hakim Sabzevari University, Sabzevari Iran, Email: pteimoori.2794@gmail.com

4) Ph.D. student in Arabic language and literature, Hakim Sabzevari University, Sabzevari Iran, (The Corresponding Author) Email: masoud_s110@yahoo.com





مقاله علمی - پژوهشی، صص ۱۲۳-۱۴۱

DOR: 20.1001.1.26455714.1400.5.2.4.6

تحلیل ساختار لایه‌ای سوره ملک از منظر سبک‌شناسی (آوایی، واژگانی، معنایی و بلاغی)

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۰۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۲۴)

مهدی نوری کیذقانی^۱

حجت اله فسنگری^۲

پروین تیموری نصر آبادی^۳

مسعود سلمانی حقیقی^۴

عنوان سبک‌شناسی و سبک‌شناسی

سال پنجم

شماره دوم

پیاپی: ۹

پاییز و زمستان

۱۴۰۰

چکیده

اصطلاح سبک‌شناسی عبارت است از علمی که به دنبال کشف ارزش‌های زیبایی شناختی آثار ادبی است، که تحلیل لغوی و فنی و بلاغی متن ادبی را در پی دارد. این دانش می‌کوشد تا متن را از لحاظ ساختارشناسی، ژرفا شناسی و زیبایی شناسی بدون توجه به تاریخ و جامعه و زندگی پدیدآورنده که اموری خارج از متن‌اند، بررسی و تحلیل کند. در این جستار با تکیه بر روش توصیفی - تحلیلی سوره ملک در سطوح آوایی، واژگانی، معنایی و بلاغی مورد بررسی و از این رهگذر گوشه‌هایی از رموز هنری و فهم جنبه‌های ادبی و هنری سطوح مختلف زبانی مورد تحلیل قرار گرفته است. کنایه و استعاره به عنوان عناصر بلاغی برای تبیین و توصیف هر چه بهتر وقایع و معانی و برانگیختن عواطف و انفعالات درونی افراد به کار گرفته شده‌اند. به کارگیری این دو مؤلفه در متن آیات این سوره باعث تشبیت معنا در ذهن مخاطب و افزایش سطح آگاهی از قدرت خداوند و اختصار در کلام و بیان محتوا شده است.

واژگان کلیدی: سبک‌شناسی، قرآن کریم، سوره ملک.

۱) دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران، ایمیل: sm.nori@hsu.ac.ir

۲) دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران، ایمیل: fesanghari@hsu.ac.ir

۳) کارشناس ارشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران، ایمیل: pteimoori.2794@gmail.com

۴) دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران، (نویسنده مسئول)، ایمیل:

masoud_s110@yahoo.com



This work is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License.

۱. مقدمه

امروزه بسیاری از مطالعات و تحقیقات حوزه زبان‌شناسی به سبک‌شناسی اختصاص یافته است. سبک‌شناسی از روش‌هایی است که برای بررسی و تحلیل متون از آن استفاده می‌شود. البته در اینکه سبک‌شناسی علم است یا روش بین محققان اختلاف نظر وجود دارد. «برخی آن را همچون زبان‌شناسی، علمی مستقل یا حداقل علمی مندرج در زیرشاخه‌های علم زبان‌شناسی می‌دانند.» ولی برخی علم بودن آن را رد کرده‌اند. (نصیری، ۱۳۸۸: ۱۸)

سبک‌شناسی در ابتدای شکل‌گیری، ارتباطی تنگاتنگ با زبان‌شناسی داشته و بعد از آن ناقدان در بررسی و تحلیل متن از آن بهره‌جسته‌اند. سبک‌شناسی به عنوان یک علم یا حوزه پژوهشی که به بررسی و شناخت متون از چشم‌انداز زبانی می‌پردازد، زبان‌شناسی و نقد ادبی را به هم پیوند می‌زند. سبک‌شناسی، اصولی در اختیار محقق می‌گذارد که در پرتو آن می‌توان انتخاب‌های خاص زبان در قالب «توانش زبانی»^۱ را تبیین کرد و اینکه زبان چگونه به کار گرفته شده و از کجا بفهمیم که چه معنی‌هایی دارد، چه معنی‌هایی به آن داده شده، و چه معنی‌هایی می‌تواند داشته باشد. (مقدسی، ۱۳۹۳: ۴۱) اگر به قرآن کریم به عنوان یک متن نگریسته شود می‌توان آیات آن را در ترازوی سبک‌شناسی سنجید و زیبایی‌های آن را برای خواننده آشکار ساخت و از این طریق شیوه‌های متنوعی را که خدای متعال به منظور اثرگذاری بر خواننده یا شنونده به کار گرفته شناخت و به فوق بشری بودن آن صحه گذاشت. اهمیت این پژوهش از آن جهت است که شناخت جنبه‌های زیباشناختی در آیات قرآن تأثیر به‌سزایی در کاربرد آن در زندگی روزمره ما دارد، که با بیانی تازه و اسلوبی جدید و بیان مفاهیم همراه است و اینکه آیا عناصر زیباشناختی در آیات قرآن وجود دارد؟ و تصاویر هنری تا چه حد از آیات قرآن کریم قابل استخراج است؟ پژوهش حاضر، با روش توصیفی - تحلیلی به سبک‌شناسی سوره ملک می‌پردازد و آن را در سطوح آوایی، واژگانی، معنایی و بلاغی بررسی می‌کند. ناگفته پیداست که درک و فهم جنبه‌های ادبی و هنری و بیان عناصر تشکیل دهنده سطوح مختلف زبانی در فهم هرچه بیشتر عظمت قرآن کاری بسیار سازنده و ضروری است.

۱.۱. پیشینه پژوهش

- مقاله «سبک‌شناسی سوره مریم»، نوشته خاقانی و دیگران (۱۳۸۹)، چاپ شده در مجله لسان مبین به بررسی سوره مذکور بر اساس مؤلفه‌های سبک‌شناسی می‌پردازد. در این سوره تمامی واژگان در جایگاه ویژه خود قرار گرفته‌اند. اگر قصد بزرگ جلوه دادن کاری باشد واژه به صورت نکره می‌آید و اگر قصد توضیح و شرح باشد واژه به صورت معرفه خواهد آمد. به سبب وجود شکایت و غم و اندوه موجود در سوره، بیشتر از آوای مد استفاده

(۱) پتانسیل بالقوه یک زبان یا به عبارتی توانایی واژه‌سازی یک زبان را توانش زبانی می‌گویند.

می‌شود، زیرا با استفاده از این آوا، فضای گسترده‌تری جهت اظهار حزن و اندوه است. مقاله «بررسی لایه‌ی آوایی سوره مبارکه «انبیاء» از منظر سبک‌شناسی»، نوشته پیرزاد نیا و دیگران، (۱۳۹۵)، چاپ شده در مجله پژوهش‌های ادبی-قرآنی، به بررسی سوره انبیاء از منظر سبک‌شناسی پرداخته است. ایجاد تناسب، انسجام و هماهنگی لفظ با معنی به منظور جلب خواننده، تصویرسازی صحنه‌های فرح بخش بهشتیان و عذاب آور دوزخیان از طریق صفات و حروف، تثبیت معانی در ذهن از طریق کاربرد مفاهیم متضاد، از کارکردهای موسیقی در این سوره مبارکه است.

مقاله سبک‌شناسی سوره حجرات، نوشته یوسفی تازه کندی، (۱۳۹۷)، چاپ شده در مجله سراج منیر به تحلیل سبک شناسانه سوره حجرات پرداخته شده است. در تحلیل سبک شناسانه این سوره به سه سطح زبانی، ادبی و فکری توجه شده است. در سطح زبانی این سوره به نکات آوایی، صرفی و نحوی توجه شده است. در سطح ادبی به مجاز، استعاره، کنایه و طباق پرداخته شده است و در سطح فکری نیز به تصویرپردازی‌های قرآن در مورد غیبت و همچنین علم خداوند، اشاره شده است.

مقاله «سبک‌شناسی سوره واقعه براساس تحلیل زبانی»، نوشته آزادی و نیکخواه، (۱۳۹۷)، چاپ شده در مجله پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن، به بررسی سوره واقعه در سه سطح آوایی، واژگانی و دستوری می‌پردازد. برآیند پژوهش نشان می‌دهد تغییرات سبکی مانند التفات در شخص و عدد فعل، التفات در مخاطب کلام، تغییر در چینش و بسامد حروف، با تغییر در لحن و سبک آیات، سبب تناسب محتوا و سبک بیانی آیات شده است.

مقاله «سبک‌شناسی زبانی سوره محمد (ص) بر اساس تحلیل سطوح زبان‌شناختی»، نوشته طالبی قره قشلاقی (۱۳۹۹)، چاپ شده در پژوهش‌های ادبی-قرآنی به بررسی زبانی سوره محمد (ص) در چهار سطح آوایی، صرفی، نحوی، واژگانی و نیز کشف زوایای ادبی آن پرداخته است. مهم‌ترین یافته جستار حاضر این است که بین مضمون آیات سوره محمد (ص) با آوای به‌کاررفته در واژگان آن انسجام وجود دارد.

مقاله «سبک‌شناسی سوره شعرا (آوایی، واژگانی، بلاغی و دستوری)»، نوشته نساج (۱۴۰۰)، چاپ شده در مجله مطالعات سبک‌شناختی قرآن کریم، به بررسی زیبایی‌های ادبی سوره شعرا در سه سطح آوایی، واژگانی، بلاغی و دستوری می‌پردازد. عناصر بلاغی چون تکرار، التفات، توازن نحوی، استعاره، مجاز عقلی و تشبیه در موسیقایی و زیباشناختی سوره شعرا اثرگذار بوده است. همه این‌ها نشان‌دهنده ساختار منسجم و موسیقایی این سوره است که از وجوه اعجاز بیانی است.

۲.۱. سؤالات و فرضیات پژوهش

۱- مؤلفه‌های به‌کاررفته در سطوح مختلف آوایی، واژگانی، معنایی و بلاغی چگونه در

انتقال پیام آیات مؤثر واقع شده است؟

۲- ساختار سوره ملک در سطح بلاغی چگونه ارزیابی می‌شود؟

۱- با بررسی و تطبیق هر یک از مؤلفه‌های موجود در سطوح مختلف سبک‌شناسی بر روی واژگان و عبارات آیات سوره ملک می‌توان گفت تبلور این عناصر باعث انتقال هر چه بهتر پیام و مضمون آیات شده و مخاطب را به درک هر چه بهتر آن رهنمون می‌سازد.

۲- ساختار سوره ملک از لحاظ سطح بلاغی دارای شاخصه‌هایی است که برای تبیین هر چه بهتر معنا، تثبیت آن در ذهن مخاطب و برانگیختن عواطف و احساسات در جهت اثرگذاری هر چه بهتر به کار گرفته شده‌اند.

۲. سبک‌شناسی

تعریف سبک‌شناسی از دیدگاهی نو، بررسی شرایط کلامی و صوری ادبی است. این تعریف شامل دو زمینه است: اولاً موضوع سبک‌شناسی یک عمل است؛ چرا که سبک‌شناسی یک کار است. کار سبک‌شناسی بررسی متون ادبی است و سرشت ویژه آثار ادبی کارکرد شاعرانه است. به طور کلی زمینه سبک‌شناسی پیکره محتوا و پیکره بیان، یعنی محل چون و چراست، که گاه یک قصه، گاه یک رساله است. سبک‌شناسی یعنی شناخت واژه‌ها، مشخصه‌ها، نه جدا جدا، بلکه در ارتباط با یکدیگر. (غیائی، ۱۳۷۳: ۵۰-۴۹) تحقیقات حاکی از پیوند تنگاتنگ معیارهای علم سبک‌شناسی و علوم بلاغت کهن است؛ به این معنا که علمای بلاغت ابتدا به مانند سبک‌شناسان امروزی به بررسی متون آثار ادبی می‌پرداختند. البته توجه ایشان معطوف به نمونه‌های کلامی برتر مثل قرآن کریم و آثار شعرا و نویسندگان طراز اول بود. (مؤمن نژاد و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۷) ایشان در آغاز به رصد و شناخت شیوه‌های بیان هنری همت گماشته بودند؛ ولی طولی نکشید این علم فقط به بیان معیارها و قواعد پرداخت. علمای بلاغت خود را مسئول تعلیم چگونگی آفرینش ادبی می‌دانستند و اندیشه‌هایشان را به شکل قوانین تجویزی به ادبیات و مخاطبان تحمیل می‌کردند. (همان) نکته مهم دیگر این است که میان زبان‌شناسی و سبک‌شناسی رابطه وجود دارد. سبک‌شناسی بیانگر زیبایی‌گرایی زبان‌شناسی است؛ زیرا ویژگی‌های شیوه بیان، که گفتمان عادی از آن کمک می‌گیرد، مورد پژوهش قرار می‌دهد. تحلیل سبک‌شناسی زبان متن در روشن نمودن دیدگاه‌های نویسنده و افکار و اندیشه او سهیم است و معانی موجود در متن را برای ما مشخص می‌کند. (برکات و همکاران، ۲۰۰۴: ۱۸۴)

در خصوص سبک‌شناسی تعاریف متفاوت دیگری نیز صورت گرفته است. برخی در تعریف سبک‌شناسی به بررسی گزینش‌ها و شگردهای زبانی تأکید دارند. مانند جوسف میستریک^۱ که می‌گوید: «سبک‌شناسی عبارت است از بررسی گزینش‌ها و روش‌های استفاده

1) Josef Mištrík

ادبی شکل می‌گیرد و نظام می‌یابد.» (فیاض منش، ۱۳۸۴: ۱۶۵) از این رو می‌توان گفت زیبایی و دلنشینی قرآن در نظام صوتی و ایقاعی آن نهفته است که به واسطه ریتم ایجاد شده از فواصل آیات و موسیقی برخاسته از واژگان، صامت‌ها و مصوت‌ها برای شنونده آشکار می‌شود که موجب خلق آهنگ و فضای موسیقایی خاصی می‌شود و جایگاه ریتمی ویژه‌ای به آن می‌بخشد و در نهایت باعث انتقال هر چه بهتر معنا می‌گردد. (بغدادی، ۲۰۱۷: ۶۶)

۳. ۱. سجع

سجع یکی از عناصر مهم در ساختار آوایی متن به شمار می‌رود. سجع آن است که کلمات آخر قریبه‌ها در وزن یا حروف روی یا هر دو موافق باشند و به سجع‌های قرآنی «فواصل» گفته می‌شود. (محمدی، ۱۳۸۹: ۳۱۲) سجع باعث آهنگین شدن کلام شده و به انتقال هر چه بهتر معنا به مخاطب کمک می‌کند. قرآن به عنوان یک متن ادبی فرابشری برای آفرینش معانی مورد نظر خود، واژگان را در چنین قالبی جای داده تا معانی با دلنشینی ناشی از موسیقی سجع، بهتر در روح و جان خواننده نفوذ کند. (قطب، ۱۳۵۹: ۱۰۶)

﴿أَمَّنْ هَذَا الَّذِي هُوَ جُنْدٌ لَكُمْ يَنْصُرُكُمْ مِنْ دُونِ الرَّحْمَنِ إِنَّ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي غُرُورٍ * أَمَّنْ هَذَا الَّذِي يَرْزُقُكُمْ إِنْ أَمْسَكَ رِزْقَهُ بَلْ لَجُوا فِي عُتُوٍّ وَنُفُورٍ﴾ (ملک/۲۰-۲۱)
﴿أَمْ أَمِنْتُمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ أَنْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا فَسَتَعْلَمُونَ كَيْفَ نَذِيرٍ * وَلَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرٍ﴾ (ملک/۱۷-۱۸)

همانطور که ملاحظه می‌شود در آیات فوق میان واژگان «غرور و نفور و نذیر و نکیر»، سجع متوازی وجود دارد. سجع متوازی، سجعی است که واژگان در وزن و حروف روی مانند یکدیگر باشند. آیات سوره ملک اغلب به حرف «را و نون» ختم می‌شوند. صوت حاصل از آن حرف «را و نون» آهنگین بودن و دلنشینی آیات را چند برابر کرده و بر خواننده تأثیر به‌سزایی می‌گذارد. یکی از مدلول‌های حرف نون دلالت آن بر معنای رقت، لطافت و زیندگی است. (عباس، ۱۹۹۸: ۱۶۳)

۴. سطح واژگانی

واژگان قرآن کریم جایگاه خاصی دارند و هریک از آن‌ها با دقت بسیاری از دیگری متمایز شده و با سیاقی که در آن به کار رفته هماهنگی دارند، به گونه‌ای که کوچک‌ترین جا به جایی و تغییر کلمه‌ای با دیگری معنا را مختل می‌کند؛ بدین علت که واژگان قرآن در ضمن اسلوب بیانی زیبایی واقع شده‌اند و به اعتقاد ما الفاظ قرآن هم از جانب خداوند هستند و هر کلمه‌ای دارای معنای خاص خود است و در آن، پرتوی نورانی وجود دارد که با قرار گرفتن آن در سیاق جمله درخشش می‌گیرد. (ابوزهره، ۱۹۸۹م: ۱۰۴)

۴. ۱. تحلیلی بر مفرد و جمع بودن واژگان

خداوند در آیه ۲۳ سوره ملک می‌فرماید: ﴿قُلْ هُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ﴾ «بگو: او کسی است که شما را آفرید و برای شما گوش و چشم‌ها و قلب‌ها قرار داد اما کمتر سپاس‌گزاری می‌کنید». در آیه مذکور مانند بسیاری دیگر از آیات قرآن، «قلب» و «بصر» به صورت جمع «قلوب» و «ابصار» آمده ولی «سمع» همه جا در قرآن به صورت مفرد ذکر شده است. البته باید توجه داشت، با این که کلمه «سمع» در قرآن همه جا به صورت مفرد آمده و به صورت «اسماع» نیامده، ولی قلب و بصر در برخی از مواضع، به صورت جمع مانند آیه فوق و گاهی به صورت مفرد مانند این آیه: ﴿وَوَحَّتْ عَلَى سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ وَجَعَلَ عَلَى بَصَرِهِ غِشَاوَةً﴾ (مکارم شیرازی، ۱۳۷۹: ۸۹/۱) برخی گفته‌اند: هرچند که ظاهر کلمه «سمع» این است که مفرد است، ولی چون از آن اراده معنای «جنس» شده، در معنا جمع است. همچنین احتمال داده شده که از واژه «سمع»، اراده مصدر شده باشد که هم دلالت بر کم می‌کند و هم بر زیاد (هم برای جمع استفاده می‌شود و هم مفرد. (شیخ طوسی، ۱۴۰۷: ۶۴/۱)

برخی دیگر گفته‌اند: می‌توان کلمه‌ای را در تقدیر گرفت که آن کلمه جمع باشد؛ مثل «حواس». از سیبویه نیز نقل شده است: هرچند که «سمع» مفرد است ولی جمع آوردن قلب‌ها و چشم‌ها، قرینه بر این است که از کل این عبارت (که شامل گوش هم می‌شود) معنای جمع اراده شده است. (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۲۹۶/۲) علاوه بر این؛ می‌توان وجه ذوقی و علمی دیگری برای این تفاوت گفت و آن این‌که: تنوع ادراکات قلبی و مشاهدات با چشم نسبت به «مسموعات» فوق‌العاده بیشتر است و به خاطر همین تفاوت، قلوب و ابصار به صورت جمع ذکر شده ولی «سمع» به صورت مفرد آمده است. در فیزیک جدید نیز آمده است امواج صوتی قابل استماع، تعداد نسبتاً محدودی است و از چندین ده هزار مورد تجاوز نمی‌کند. در حالی که امواج نورها و رنگ‌هایی که قابل رؤیت هستند از میلیون‌ها مورد می‌گذرد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۹: ۹۰/۱)

۴. ۲. تحلیل سطح معناشناسی واژگان انتخابی

در سطح معناشناسی روابط میان صورت‌های زبانی و پدیده‌های هستی بررسی می‌شود؛ یعنی چگونه کلمات عیناً به اشیاء پیوند می‌یابند. معنی کاوی همچنین می‌کوشد تا صحت و سقم روابط موجود بین توصیف‌های زبانی و وضعیت امور در جهان خارج را بدون در نظر گرفتن گوینده کلام بیابد. (یول، ۱۳۸۷: ۱۲) لایه معنایی سطحی موازی با سطوح دیگر سبک‌شناسی است که با ویژگی‌های آوایی و ساخت‌های جانشینی و همنشینی ارتباط پیدا می‌کند. دلالت‌های معنای از دو دیدگاه دلالت‌های ساده یا لغوی و دلالت‌های پیچیده یا بلاغی می‌تواند بررسی گردد. (مؤمن نژاد و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۶)

﴿فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِنْ فُطُورٍ﴾ (ملک/۳)

«فُطُور» از ماده «فطر» (بر وزن سطر) به معنی شکافتن از طول است، و به معنی شکستن (مانند افطار روزه) و اختلال و فساد نیز می‌آید، و در آیه مورد بحث به همین معنی است (الرازی، ۱۹۹۷م: ۱۸۶/۲) منظور این است که: هر چه انسان در جهان آفرینش دقت کند، کمترین خلل و ناموزونی در آن نمی‌بیند. لذا، در آیه بعد، برای تأکید همین معنی می‌افزاید: «بار دیگر دیده خود را باز کن، و دو مرتبه به عالم هستی بنگر، سرانجام چشمانت به سوی تو باز می‌گردد در حالی که خسته و ناتوان شده، و در جستجوی خلل و نقصان در این عالم بزرگ ناکام مانده است.»

﴿ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ خَاسِئًا وَهُوَ حَسِيرٌ﴾ (ملک/۴)

«كَرَّتَيْنِ» از ماده «کر» (بر وزن شر) به معنی توجه و بازگشت به چیزی است، و «کره» به معنی تکرار و «كَرَّتَيْنِ» تشبیه آن است، ولی بعضی از مفسران گفته‌اند: منظور از «كَرَّتَيْنِ» در اینجا معنی تشبیه نیست، بلکه، منظور توجه‌های مکرر، پی درپی و متعدد است. (فضیلت، ۱۳۸۷: ۱۵۹) بنابراین، حداقل قرآن در این آیات به مردم دستور می‌دهد: سه بار در عالم هستی بنگرند، و اسرار آفرینش را مطالعه کنند، و به یک معنی بارها و بارها دقیق شوند، و هنگامی که نتوانستند کمترین خلل و نقصانی در این نظام عجیب بیابند، به آفریننده این دستگاه و خالق این جهان و علم و قدرت بی‌پایان آشناتر شوند. (همان: ۱۶۰)

«خاسی‌ء» از ماده «خَسَأَ» و «خُسُوءَ» (بر وزن مدح و خشوع) هر گاه، در مورد «چشم» به کار رود، به معنی خسته و ناتوان شدن است، و هر گاه، در مورد «سگ» به کار رود به معنی دورکردن آن است. «حَسِيرٌ» از ماده «حسر» (بر وزن قصر) به معنی برهنه کردن است، و از آنجا که انسان به هنگام خستگی، تاب و توان خود را از دست می‌دهد، و گوئی برهنه از نیروهای خود می‌شود، به معنی خستگی و ناتوانی آمده است، بنابراین «خاسی‌ء» و «حَسِيرٌ» در آیه فوق، هر دو به یک معنی و برای تأکید در موضوع درماندگی و ناتوانی چشم از دیدن نقصانی در نظام عالم هستی است. بعضی، میان این دو، چنین فرق گذاشته‌اند: «خاسی‌ء» به معنی ناکام و «حَسِيرٌ» به معنی ناتوان است. (صالح، ۱۳۸۴: ۴۶۷)

﴿أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ﴾ (ملک/۱۴)

«ألا» را نیز می‌توان به دو صورت معنی کرد: یکی این که کلمه‌ای برای تشبیه باشد، یعنی آگاه باشید. دیگر اینکه مرکب از حرف استفهام و حرف نفی باشد به معنی آیا نه؟ از همه اینها یک نتیجه حاصل می‌شود که خدا به دلیل این که خالق است به مخلوقات آگاه است. (قمحاوی، ۱۹۸۰: ۱۸۶). لطافت یکی از عبارات است از نوعی صفت در شی‌ء، که حس ظاهر به طور آشکار آن را درک نمی‌کند، یک دقت و ذوقی می‌خواهد که انسان بتواند آن را درک کند. پس یک معنای لطیف این است: آن کسی که دقایق امور را درک می‌کند؛ یعنی

خدا نه فقط ظواهر امور را درک می‌کند بلکه دقایق را هم درک می‌کند. (طباطبائی، ۱۳۷۴، ۲۳۲/۱۹) معنای دیگر که در اخبار و احادیث آمده این است که لطیف یعنی خالق اشیائی است که آن اشیا آنقدر دقیق هستند که به چشم نمی‌آیند. یعنی خالق اشیاء خیلی کوچک و خرد، که به واسطه خردی و لطافتشان، به چشم نمی‌آیند، و خبیر و آگاه به همان اشیایی است که به لطف و لطافت خودش آن‌ها را خلق کرده است. (همان)

۴. ۳. هم‌آیی

هم‌آیی یکی از عناصر اساسی سبک‌ساز متن است. در هم‌آیی، واژگان که به هر دلیلی دارای نمود مشترک در بافت زبانی هستند با پراکندگی خود در سطح متن باعث انسجام بخشی به پیکره متن می‌شود. (سرپرست و رحیمی نژاد، ۱۳۹۹: ۶۸) هم‌آیی در واقع به «ارتباط عنصری با عنصر دیگر از طریق نمود مشترک و مکرری که در بافت‌های مشابه دارند، اطلاق می‌شوند.» (محمد، ۲۰۰۷: ۱۰۹) به دیگر سخن ارتباط همیشگی و مداومی که یک کلمه در یک زبان با کلمات معینی دارد هم‌آیی گفته می‌شود، به گونه‌ای که با ذکر یک کلمه، کلمه خاص دیگر نیز انتظار ذکر شدن دارد. (فرج، ۲۰۰۷: ۱۱)

- ﴿فَلَمَّا رَأَوْهُ زُلْفَةً سَيِّتٌ وُّجُوهُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَقِيلَ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَدْعُونَ﴾ (ملک/۲۷)
- ﴿إِذَا أُلْقُوا فِيهَا سَمِعُوا لَهَا شَهيقًا وَهِيَ تَفورُ﴾ (ملک/۷)

وضعیت کافران و تکذیب‌کنندگان: اندوهناک شدن چهره، افکنده شدن در جهنم، شنیدن صدای نعره آن و جوشیدن جهنم برای آن‌ها. هنگامی خداوند شرایط کافران را برای مخاطب به تصویر می‌کشد، واژگانی را برای این گروه به کار می‌برد که میان آنها یکپارچگی و انسجام معنایی به چشم می‌خورد. همچنین ویژگی جهنم را به با کلماتی بیان کرده است که با شنیدن یک واژه، کلمه بعد به ذهن مخاطب خطور می‌کند و از این طریق توأصل معنایی میان واژگان و عبارات را به ذهن متبلور می‌سازد. آمدن عناصر واژگانی معینی که به یک حوزه معنایی تعلق دارند در چارچوب موضوع یک متن که منجر به پیدایش ارتباط میان جمله‌های می‌شود باعث ایجاد هم‌آیی می‌گردد. با به کار بردن واژگانی که دارای ارتباط معنایی قوی و منسجم هستند، اثربخشی و جاودانگی متن بالا می‌رود. (سرپرست و رحیمی نژاد، ۱۳۹۹: ۶۹)

۵. سطح بلاغی

از ویژگی‌های دیگر قرآن که مایه شگفتی عرب گردید: دقت در به کار بردن نکات بلاغی اعم از صنایع بدیعی و ظرافت‌های سخنوری است در قرآن انواع استعاره‌ها و تشبیه و کنایه و مجاز و نکته‌های بدیعی به حد وفور به کار رفته است با وجود آن که در تمامی موارد چارچوب شیوه‌های متعارف عرب رعایت شده، ولی مورد کاربرد با چنان ظرافت و دقت انجام شده که موجب حیرت ارباب سخن و نکته‌سنجان عرب گردیده است. (سعیدی نجفی، ۱۹۷۵م: ۱۲۰)

در سوره ملک (با وجود تعداد اندک آیات آن) انواع گوناگونی از نکات بلاغی و ظرافت‌های بیانی قابل مشاهده است. انواع بلاغی موجود در سوره ملک به شرح زیر است.

۵. ۱. تقدیم و تأخیر

در نحوه قرارگیری واژگان در آیات قرآن اهداف و اغراضی نهفته است. اهدافی مانند: اظهار سرور و شادمانی، تشویق به متأخر، تلذذ، تبرک، افاده حصر و اختصاص، افتخار و... از جمله مواردی است که در انگیزه تقدیم و تأخیر بیان شده است. (مسیری، ۲۰۰۵: ۵۰) جایگاه واژگان در قرآن کریم به عنوان یک متن ادبی والا، از اهمیت به سزایی برخوردار است و افاده معنایی خاصی در ورای آن وجود دارد.

– ﴿قُلْ هُوَ الرَّحْمَنُ أَمَّنَّا بِهِ وَعَلَيْهِ تَوَكَّلْنَا فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾ (ملک/۲۹)

در این آیه فعل «أَمَّنَّا» بر جار و مجرور «بِهِ» مقدم گشته در حالی که فعل «تَوَكَّلْنَا» پس از جار و مجرور «عَلَيْهِ» آمده است این بدین خاطر است که ایمان محصور و منحصر در ایمان به خدا نیست؛ بلکه باید به سایر اصول اعتقادی همچون فرشتگان، کتابهای آسمانی، پیامبران و روز رستاخیز نیز معتقد بود اما توکل تنها منحصر به خداست، زیرا علم و قدرت مطلق همیشگی و پایدار تنها از آن اوست بدین خاطر جار و مجرور مقدم شده تا بنده‌ی خدا بداند مالک نفع و ضرر کسی جز الله نیست و تنها بر او توکل نماید. (رمضان البوطی، ۱۴۱۲ق: ۱۴۹) همچنین در آیه ﴿إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ﴾ حصر بکار رفته است که علم زمان وقوع رستاخیز تنها به خداوند اختصاص دارد، به عبارتی دیگر قصر حقیقی صفت بر موصوف است.

۵. ۲. حذف

حذف نوعی کاهش واژگانی و از ملاک‌های درون زبانی است که تقدیر آن با ملاک‌های برون زبانی امکان‌پذیر است. حذف زمانی صورت می‌گیرد که میان دو چیز تلازم و ارتباط باشد. در صورت وجود چنین حالتی به یکی اکتفا و دیگر حذف می‌شود. (جلالی، ۱۳۸۶: ۲۶) یکی از اسلوب‌های پرکاربرد بلاغی قرآن، حذف در ساختار آیات است. این شیوه ممتاز بیانی که نمونه زیبایی آن در آیات قرآن مشاهده می‌شود، در انسجام عناصر نقش مهمی دارد و به نوعی انحراف از شکل طبیعی سخن است. (مؤمن زاده و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۱) از جمله ظرافت‌های بلاغی این اسلوب می‌توان به تخفیم، تعظیم، اختصار، تخفیف، بیان گسترده، صیانت زبان از ذکر، ایجاد فاصله‌های قرآنی و ابهام اشاره کرد. (زرکشی، ۱۴۱۰، ۱۲۰/۳-۱۱۵)

– ﴿تَكَادُ تَمَيِّزُ مِنَ الْغَيْظِ كُلَّمَا أُلْقِيَ فِيهَا فَوْجٌ سَأَلْتَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ﴾ (ملک/۸).

در این آیه در واژه «تمیز» حذف صورت گرفته است. اصل این کلمه به صورت «تمیز» بوده است که به منظور تخفیف، یکی از دو حروف (ت) از بدنه آن حذف شده است.

۵. ۳. تأکید

در کلام عرب، اصل آن است که سخن، خالی از «تأکید» آورده شود. روش سخنوری و نگارش عرب، آن است که وقتی مخاطب ذهنیتی از پیش یا شک و انکاری ندارد کلام خود را بدون ادات تأکید آورد. (زرکشی، ۱۹۵۸م: ۴۸۵/۲)

عالم بلاغت، «خبر» را به سه گونه تقسیم می‌کند؛ کلام ابتدایی، کلام طلبی، کلام انکاری. کلام ابتدایی، خطاب به کسی گفته می‌شود که خالی الذهن باشد و در موضوع تردیدی نداشته باشد. کلام طلبی، به مخاطبی گفته می‌شود که مردد و جوای حکم است؛ یعنی دو طرف موضوع حکم برایش روشن است، ولی نسبت میان آن دو را نمی‌داند و از «وقوع و لا وقوع» خبری ندارد. در این گونه گفتارها آوردن «تأکید» نیست، تا به وسیله آن، هم تردید برطرف شود و هم حکم روشن گردد. اما در کلام انکاری، مخاطب منکر حکم است و می‌باید تأکیدهایی بر اساس شدت انکار آورده شود. (تفتازانی، ۱۴۰۶ق: ۸۰/۱) یکی از ابزارهای پرکاربرد تأکید قرآنی استفاده کردن از حرف «إِنَّ» است که در سوره ملک در سه آیه ۱۲، ۱۳ و ۱۹ مورد استفاده قرار گرفته است:

﴿إِنَّ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ... إِنَّهُمْ عَلَيْهِمْ ذَاتُ الصُّدُورِ... إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ بَصِيرٌ﴾ تأکید با حرف قد از رایج‌ترین شیوه‌های تأکید جمله است. در سوره ملک سه بار (آیات ۵، ۹ و ۱۸) از طریق این حرف عبارتی مورد تأکید قرار گرفته است: ﴿وَلَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا... قَالُوا بَلَىٰ قَدْ جَاءَنَا نَذِيرٌ... وَلَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ...﴾ انواع دیگر تأکید نیز در این سوره به دفعات دیده می‌شود. مانند تأکید با حرف جر زانده من ﴿أَمْ تَرَىٰ فِي حَقِّ الرَّحْمَنِ مِنْ تَفَاوُتٍ﴾، تأکید با ادات قصر إلا و إنما ﴿إِنَّ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ كَبِيرٍ﴾ ﴿وَإِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُبِينٌ﴾.

۵. ۴. استعاره

در زبان عربی مانند هر زبان دیگری، گاه مطلب به صورت تشبیه و تمثیل گفته می‌شود تا شنونده یا خواننده فکر خود را به کار اندازد و مطلب مورد نظر را بهتر و عمیق‌تر دریافت کند. این گونه سخن گفتن، از فصاحت و بلاغت و توانایی گوینده در کاربرد واژه‌ها و تعبیرات مناسب ناشی می‌شود. یکی از گونه‌های این موضوع «استعاره» است که در علم معانی و بیان بحث‌های مفصلی دارد و در شمار بسیاری از آیات قرآن کریم به کار رفته است. (همامی، ۱۳۷۵: ۹۱) با نگاهی به سوره ملک استعارات نغزی یافت می‌شود.

﴿هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذُلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ﴾ (ملک/۱۵) در این آیه، خداوند زمین را به جهت رام بودن آن و بهره‌گیری انسان از آن به شتری تشبیه کرده که سوارش به راحتی بر وی نشسته و از آن استفاده می‌کند. از آنجا که مشبه به حذف شده است. پس الأرض استعاره مصرحه است و از سویی چون مشبه (الأرض) را با یکی از اجزاء یا ویژگی‌های مشبه‌به (ذلول) آورده است، پس استعاره مکینه نیز می‌باشد. علاوه بر استعاره نکات بلاغی دیگری نیز در این آیه مشهود است از جمله اینکه تعبیر «فی مناكبها» از یک طرف مبالغه

در رام بودن زمین است، زیرا حرکت عادتاً بر پشت حیوان است؛ اما هنگامی که بسیار رام باشد می‌توان بر شانه‌هایش نیز راه رفت، و از طرفی دیگر «فی» بجای «علی» بیانگر وسعت بلندی‌هاست به گونه‌ای که می‌توان در میان آن‌ها راه رفت که تونل‌های امروزی شاید یکی از مصادیق آن باشد. مناکب (جمع منکب) که نام محل برخورد استخوان باز و با شانه است، و اگر نقاط مختلف زمین را منکب‌ها خوانده، استعاره است. راغب می‌گوید استعاره آوردن منکب برای زمین، مثل استعاره آوردن (ظهر - پشت) برای زمین در آیه ۴۵ سوره فاطر است.

﴿إِذَا أُلْقُوا فِيهَا سَمِعُوا لَهَا شَهيقًا وَهِيَ تَفورُ ﴿٧﴾ تَكَادُ تَمَيِّزُ مِنَ الْغَيْظِ كُلَّمَا أَلْقَى فِيهَا فَوْجٌ سَأَلَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ ﴿٨﴾﴾ (ملک ۷-۸)

در قسمت اول این آیه آتش به موجودی تشبیه شده که صدایی ترسناک از خود بیرون می‌دهد، مشبه یعنی آتش، ذکر شده و مشبه به حذف شده است. در قسمت دوم آیه نیز آتش از نظر شدت و سوزناکی به فردی تشبیه شده که برافروخته و خشمگین است. در این آیه نیز مشبه یعنی آتش ذکر شده و مشبه به حذف شده است. در این آیه استعاره تصریحیه وجود دارد. بدین گونه که خداوند آتش گرفتن جهنمیان و رسیدن آتش به ایشان را به فردی خشمگین مانند کرده که بر دیگری خشم آورده و وی را آزار می‌دهد. از جهت دیگر می‌توان استعاره تخیلیه نیز داشته باشد بدین گونه که جهنم از نظر برافروختن پاره‌های اخگر در آن به انسانی مانند شده باشد که بر دیگری غضبناک است و به شدت وی را می‌آزارد. سبب این تشبیه، فرض حالت طبیعی عصبانیت است که در آدمی بوجود آمده و به صورت طبیعی وی را به بروز چنین کنشی وامی‌دارد.

همچنین می‌توان گفت که در این آیه تشخیص یا آدم‌نمایی وجود دارد که اصطلاحی بلاغی و تازه است و در کتاب‌های اعجاز قرآن و بلاغت قدما به کار نرفته است و دانشمند محقق معاصر صبحی صالح ضمن تمجید و تجلیل از تلاش‌های بزرگ گذشتگانی همچون سیوطی می‌گوید: «وی این سخن خداوند متعال را در توصیف جهنم در این صحنه‌ی هول‌انگیز فقط یک استعاره معقول برای محسوس با وجه مشترک عقل می‌داند، با آنکه شخصیت قائل شدن برای جهنم در این آیه همان پدیده‌ای است که صحنه را لبریز از زندگی و حرکت می‌گرداند، جهنم خشمناک است و بغض گلوگیرش شده است و می‌خواهد خشم خود را به هنگامی که مجرمان را در آن می‌افکنند فرو ببرد، و گویا منظره‌ی زشت و زنده‌ی مجرمان، نابسامان‌تر است از آن که دوزخ بتواند تحمل کند و بر آن شکیبایی ورزد این است که با زبانه‌ی شعله‌اش در حالیکه می‌غرد و شیهه می‌کشد، با آنان برخورد می‌کند و مهل و قطران خود را در حالی که می‌جوشد و فواره می‌زند پیشکش آنان می‌کند، تا جایی که کم مانده است سینه‌اش از کینه‌ی آنان و از نفرتی که نسبت به چهره‌های سیاهشان دارد، منفرج گردد. (صالح، ۱۳۸۴: ۶۳) بنابراین، در این تابلو استعاره معقول برای محسوس به تنهایی نیست؛ بلکه برای جهنم یک شخصیت انسانی به عاریت گرفته شده است که عکس‌العمل‌های وجدانی و برخوردهای

عاطفی دارد، این دوزخ است که مانند یک انسان ناله می‌زند، این دوزخ است که به خشم می‌آید و برآشفته می‌گردد، و این دوزخ است که دارای روانی حساس گشته است!» (همان)

﴿وَلَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ وَجَعَلْنَاهَا رُجُومًا لِلشَّيَاطِينِ وَأَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابَ السَّعِيرِ﴾ (ملک/۵)

در این آیه استعاره مصرحه اصلیه وجود دارد. به این ترتیب که ستارگان آسمان به مصابیح تشبیه شده و در این بین مشبه حذف و مشبه به ذکر شده است.

﴿أَفَمَنْ يَمْشِي مُكِبًّا عَلَىٰ وَجْهِهِ أَهْدَىٰ أَمَّنْ يَمْشِي سَوِيًّا عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ (ملک/۲۲)

در این آیه، استعاره تمثیلیه وجود دارد به عبارت دیگر الله متعال از مثل برای بیان حال مشرک و بکتاپرست بهره گرفته است بدین گونه که خداوند فرد مشرک را به نابینایی مانند کرده است که به روی درافتاده و درست راه نمی‌پیماید حال آنکه یکتاپرست را به فردی مانند می‌کند که در راه درست گام بر می‌دارد و از لغزش و کج‌روی در امان است.

۵.۵. کنایه

تصویرسازی یکی از مؤلفه‌های برتر قرآن است و یکی از روش‌هایی است که در قرآن از آن برای اقناع مخاطب و برانگیختن عواطف و انفعالات درونی افراد بهره گرفته شده است. (مؤمن نژاد و همکاران، ۱۳۹۶: ۴۶) یکی از عناصر تصویرساز در این سوره، عنصر کنایه است. کنایه عبارت است از آوردن لفظ و اراده معنای غیرحقیقی از آن، به گونه‌ای که بتوان معنای حقیقی آن را نیز اراده کرد. (محمدی، ۱۳۸۹: ۲۶۹)

در اولین آیه سوره ملک ﴿تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ جمله «الذی بیده الملک» از آنجا که مطلق است شامل تمامی ملک می‌گردد، و این تعبیر می‌خواهد به طور کنایه از کمال تسلط خدا بر ملک خبر دهد، و بفهماند آن چنان ملک در مشیت او است که به هر نحو بخواهد در آن تصرف می‌کند، همانطور که یک انسان نیرومند موم را در دست خود به هر شکل بخواهد درمی‌آورد و می‌چرخاند، پس خدای تعالی به نفس خود مالک هر چیز و از هر جهت است، و نیز مالک ملک هر مالک دیگر است. این کنایه از نوع صفت و تلویحی است. پس توصیف خدای عزوجل به اینکه ملک به دست اوست، توصیفی وسیع‌تر از توصیف او به «ملیک» در جمله «عند ملیک مقتدر»، و صریح‌تر و مؤکدتر است از توصیف او در جمله «له الملک». (ناصری، ۱۳۸۹: ۳۷)

و جمله «و هو علی کل شیء قدیر» اشاره است به اینکه قدرت خدای تعالی محدود به هیچ حدی و منتهی به هیچ نهایتی نیست، و لازمه اطلاق ملک هم به حسب سیاق همین است، هر چند که صرف نظر از سیاق، مطلق آوردن ملک (که از صفات فعل است) از لوازم اطلاق قدرت است که از صفات ذات است. در آیه ﴿الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ

طَبَاقًا مَا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِنْ تَفَاوُتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِنْ فُطُورٍ ﴿۳۸﴾ کلمه فطور به معنای اختلال و بی نظمی است. و مراد از ارجاع بصر، تکرار نظر است، و این کنایه است از اینکه اگر بخواهی یقین کنی که در سراسر خلقت تفاوتی نیست باید با دقت نظر کنی. (تأکیدی بر وحدت نظام عالم و اتصال و ارتباط اجزاء آن) (همان: ۳۸) این کنایه از نوع تلویح است، زیرا واسطه‌های آن زیاد است. در آیه ۲۹ سوره ملک ﴿قُلْ هُوَ الرَّحْمَنُ أَمَنَّا بِهِ وَعَلَيْهِ تَوَكَّلْنَا فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ﴾ نیز کنایه دیده می‌شود. در این آیین خداوند، مفعول «توکلنا» را بر آن پیش انداخته حال آنکه مفعول آما یعنی «به» را پس از آن آورده است. دلیل این تقدیم و تأخیر در کلام خداوند، کنایه به کافران است بدین گونه که خداوند با تأخیر انداختن سخن، از ایشان، خواسته بگوید که ایمان می‌آوریم و همانند شما کفر نمی‌ورزیم و بر خدا توکل می‌کنیم و نه بر افراد و داشته‌هایمان.

نتیجه‌گیری

- بررسی سطح آوایی در سوره ملک نشان می‌دهد هجاهای کوتاه نسبت به سایر هجاها بیشتر است که این امر نشان دهنده ریتم تند و متحرکی است که در این سوره ملاحظه می‌شود. همچنین ریتم موجود در این سوره با تناسب معانی و محتوای سیاق آیات آن هماهنگی دارد. همچنین سجع به عنوان یکی از عناصر آوایی متن باعث آهنگین شدن آیات قرآنی و اثرگذاری ویژه بر خواننده و دریافت معنای آن شده است.

- حروف هر واژه چنان مدبرانه چینش یافته که آوای منسجم و منظم حروف ترکیب شده در میان عبارات و جملات آیات جلب توجه می‌کند که این امر باعث افزایش موسیقی و اثرگذاری آوایی سوره ملک شده است.

- در سطح واژگانی و معاشناسی با بررسی ویژگی‌های لفظی و معنایی موجود در هر کلمه مشخص گردید خداوند متعال سخنی بی نظیر را با توجه به نظام ترکیبی آیات که دارای مفاهیم گسترده و در عین حال مختصر و مفید هستند، به صورت یکپارچه و منسجم در کنار یکدیگر قرار داده است.

- سه عامل تأکید، تقدیم و تأخیر و حذف در خدمت هدف سوره ملک به کار گرفته و باعث ایجاد یکپارچگی معنایی بیشتر شده‌اند؛ چرا که ارتباط عمیق و مناسب واژگان از ظرافت‌های زیبای بلاغی موجود در سوره نشأت می‌گیرد.

- از دیگر عوامل بلاغی موجود در این سوره، کنایه و استعاره است برای تبیین و توصیف هر چه بهتر وقایع و معانی و برانگیختن عواطف و انفعالات درونی افراد به کار گرفته شده‌اند. به کارگیری این عناصر در متن آیات این سوره باعث تثبیت معنا در ذهن مخاطب و افزایش سطح آگاهی از قدرت خداوند و اختصار در کلام و بیان محتوا شده است.

منابع

- قرآن کریم.
- ابوزهره، محمد (۱۹۸۹م): «المعجزه الكبرى القرآن قاهره»، دارالفکر العربی.
- برکات و همکاران (۲۰۰۴): «اتجاهات نقدیه حدیثه و معاصره»، دمشق: انتشارات دانشگاه دمشق.
- بغدادی، نسیمه (۲۰۱۷): «أسلوبية التوازی فی القرآن الکریم»، کلیه الآداب و اللغه، قسم اللغه العربیه و آدابها، جامعه محمد بوضیاف-المسیله.
- تجدد، محسن (۱۳۸۸ش): «سبک و اسلوب»، تهران: نشر سفیر.
- تفتازانی، سعد الدین (۱۴۰۶ق): «مختصر المعانی»، تحقیق محمد محی الدین. بیروت: دارالنشر الإسلامی.
- الرازی، محمد الرازی فخرالدین (۱۹۹۷م): «التفسیر الکبیر»، تهران: دار الکتب العلمیه.
- رمضان البوطی، محمدسعید (۱۴۱۲ق): «من روائع القرآن، تأملات علمیه و أدبیه فی کتاب الله عزّ و جل»، بیروت: دارالمعارف.
- زرکشی، محمد بن بهادر (۱۴۱۰): «البرهان فی علوم القرآن»، بیروت: دار المعرفه.
- سرپرست، فاطمه و رحیمی نژاد، محمد کاظم (۱۳۹۹): «سبک‌شناسی سوره مرسلات بر مبنای سطح زبانی»، مجله مطالعات سبک‌شناسی قرآن کریم، س ۳، ش ۵، صص ۵۶-۷۴.
- سعیدی نجفی، محمدجواد (۱۹۷۵م): «بحوث حول علوم القرآن الکریم»، نجف: مطبعه الآداب.
- شیخ طوسی، محمدبن حسن (۱۴۰۷ق): «التبیان فی تفسیر القرآن»، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- صالح، صبحی (۱۳۸۴): «مباحثی در علوم قرآن»، تهران: نشر منیر.
- طباطبائی، سید محمد حسین (۱۳۷۴ش): «تفسیر المیزان»، قم: دفترانتشارات اسلامی.
- غیاثی، محمد تقی (۱۳۷۳): «سیر تحول سبک‌شناسی»، مجله پژوهش‌های ادبیات معاصر جهان، ش ۱، صص ۴۹-۶۸.
- عباس، حسن (۱۹۹۸م): «خصائص الحروف العربیه و معانیها»، دمشق: اتحاد الکتب العرب.
- فتوحی، محمود (۱۳۹۱): «سبک‌شناسی نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها»، تهران: انتشارات سخن.
- فرج، حسام احمد (۲۰۰۷): «نظریه علم النص» قاهره: مکتبه الآداب.
- فخررازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق): «مفاتیح الغیب»، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم.
- فضیلت، محمود (۱۳۸۷ش): «زیباشناسی آیات قرآن» تهران: انتشارات سمت.
- فیاض منش، پرند (۱۳۷۰): «نگاهی به موسیقی شعر و پیوند آن با موضوع تخیل و احساسات شاعرانه»، مجله پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی، ش ۴، صص ۱۶۳-۱۸۶.
- قطب، سید (۱۳۵۹): «آفرینش هنری در قرآن»، ترجمه محمد مهدی فولادوند، تهران: بنیاد قرآن.
- قمحاوی، محمدصادق (۱۹۸۰م): «الایجاز و البیان فی علوم القرآن». قاهره: عالم الفکر.
- کواز، محمد کریم (۱۳۸۶): «سبک‌شناسی اعجاز بلاغی قرآن»، ترجمه حسین سیدی، تهران: انتشارات سخن.
- محمد، عزه شبل (۲۰۰۷): «علم لغة النص»، قاهره: مکتبه الآداب.
- محمدی، حمید (۱۳۸۹)، «آشنایی با علوم بلاغی»، قم: انتشارات دارالعم.
- مسیری، منیر محمود (۲۰۰۵): «دلالات التقدیم و التأخیر فی القرآن الکریم دراسة تحلیلیه»، قاهره: مکتبه وهبه.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۹ش): «تفسیر نمونه»، قم: موسسه تحقیقات و نشر اهل بیت.
- مقدسی، محمود (۱۳۹۳ش): «سبک‌شناسی نوین»، تهران: نشر دقیق.
- مؤمن نژاد، ابوالحسن و دیگران (۱۳۹۶): «سبک‌شناسی سوره نازعات»، پژوهش‌های ادبی - قرآنی، س ۵، ش ۴، صص ۲۵-۴۷.
- ناصحی، سید امین (۱۳۸۹ش): «سیر تحول علوم قرآنی»، تهران: انتشارات سفیر.
- وحیدیان کاهیار، تقی (۱۳۹۰): «یدیع از دیدگاه زیبایی‌شناسی»، تهران: سمت.
- یول، جورج (۱۳۸۷): «کاربرد شناسی زبان»، ترجمه: محمد عمو زاده مهدیرجی و منوچهر توانگر، تهران: انتشارات سمت.
- Simpson, Paul, (2004): Stylistics: A Resource Book for Students, Routledge, London.

bibliography

- The Holy Quran.
- Abu Zahra, Muhammad (1989 AD). The Miracle of Al-Quran, Cairo: Dar al-Fikr al-Arabi.
- Barkat et al., (2004), "Trends of Hadith and Contemporary Criticism", Damascus, Damascus University Press.
- Baghdadi, Nasimeh, (2017), "Al-Tawazi style in the Holy Qur'an", College of Arts and Languages, Department of Arabic Language and Literature, Mohammad Bouziaf University - Al-Masila.
- Toddjd, Mohsen (1388SH). style Tehran: Safir Publishing.
- Taftazani, Saad al-Din (1406 AH). Qazhat al-Ma'ani, the research of Mohammad Mo-hiuddin. Beirut: Islamic Publishing House.
- Al-Razi, Mohammad Al-Razi Fakhreddin (1997 AD). Al-Tafsir al-Kabir Tehran: Dar al-Kutub al-Alamieh.
- Ramadan Al-Buti, Mohammad Saeed (1412 AH). I am the traditions of the Qur'an, scientific and literary reflections on the book of God Almighty. Beirut: Dar al-Maarif.
- Zarkashi, Muhammad bin Bahadur, (1410AH), "Al-Burhan fi Ulum al-Qur'an", vol. 1 and 3, Beirut: Dar al-Marafa.
- Fathazir, Fatemeh and Rahiminejad, Mohammad Kazem, 1391SH), "The Stylistics of Surah Mursalat based on the Linguistic Level", Journal of Stylistic Studies of the Holy Qur'an, Q3, Vol.5, pp. 56-74.
- Saidi Najafi, Mohammad Javad (1975 AD). "Research on the Sciences of the Holy Qur'an". Najaf: Al-Adab Press.
- Sheikh Tusi, Muhammad ibn Hassan (1407 AH). "Learning in Tafsir al-Qur'an". Beirut: Dar Ahya al-Trath al-Arabi.
- Saleh, Sobhi (1384SH). "Debates in Quranic Sciences". Tehran: Munir Publishing.
- Tabataba'i, Seyyed Mohammad Hossein (1374SH). "Tafsir al-Mizan", Qom: Islamic Publishing House.
- Ghiathi, Mohammad Taghi, (1373SH), "The Evolution of Stylistics", Journal of Contemporary World Literature Research, Vol. 1, pp. 68-49.
- Abbas, Hassan, (1998), "Characteristics of Arabic letters and their meanings", Damascus: Ittihad al-Kitab al-Arab.
- Fatuhi, Mahmoud, (1391SH), "Stylistology of theories, approaches and methods", Tehran: Sokhon Publications.
- Faraj, Hossam Ahmad, (2007), "Theory of the Text" Cairo: Maktaba Al-Adab.
- Fakhrazi, Muhammad bin Omar (1420 A.H.) Mufatih al-Ghaib. 3rd edition, Beirut: Dar Ihya al-Trath al-Arabi.
- Fazilat, Mahmoud (1387SH). Aesthetics of Quranic verses. Tehran: Samit Publications.
- Fayaz Menesh, Parand, (1370SH), "Looking at the music of poetry and its connection with the theme of imagination and poetic emotions", Persian Language and Literature Research Magazine, vol. 4, pp. 163-186.

- Qutb, Seyed, (1359SH), "Artistic creation in the Qur'an", translated by Mohammad Mehdi Foadvand, Tehran: Binad Qur'an.
- Qomhawi, Mohammad Sadeq (1980 AD). "Ijaz and Bayan in the Sciences of the Qur'an". Cairo: Alam al-Fakr.
- Kowaz, Mohammad Karim (1386SH), "The Stylistics of the Rhetorical Miracles of the Qur'an", translated by Hossein Seidi, Tehran: Sokhn Publications.
- Mohammad, Azzah Shabal, (2007), "The Language of Linguistics", Cairo: Maktaba Al-Adab.
- Mohammadi, Hamid, (1389SH), "Acquaintance with Rhetorical Sciences", Qom: Dar Al-Om Publications.
- Masiri, Mounir Mahmoud, (2005), "Illuminations of Al-Taqdeem and Lateness in the Holy Qur'an, an Analytical Study", Cairo: Maktaba Wahbah.
- Makarem Shirazi, Nasser (1379SH). Example interpretation. Qom: Ahl al-Bayt Research and Publishing Institute.
- Moghdisi, Mahmoud 1393SH). New stylistics. Tehran: Zachakhi Publishing.
- Mominnejad, Abolhasan and others (1396SH), "Styllology of Surah Nazaat", Literary-Quranic Researches, Q5, Vol. 4, pp. 25-47.
- Nashi, Seyyed Amin (1389SH). The evolution of Quranic sciences. Tehran: Safir Publications.
- Vahidian Kamiyar, Taghi, (1390SH), "Badi' from the aesthetic point of view", Tehran: Samt.
- Yule, George, (1387SH), "Practice of Language", translation: Mohammad Ammoza-deh Mehdirji and Manouchehr Tawangar, Tehran: Samit Publications.
- Simpson, Paul. (2004), Stylistics: A Resource Book for Students, Routledge, London



سال پنجم
شماره دوم
پیاپی: ۹
پاییز و زمستان
۱۴۰۰